

فرار مغزها

رضا شریعت

(قسمت دوم و پایانی)

پیشینه مهاجرت متخصصین و پدیده جهانی شدن و هزینه فرار مغزها مطالبی است که در قسمت قبل به آن اشاره شد. در این قسمت ادامه مطالب از نظر شما خواهد گذشت.

■ علل فرار مغزها و جابجایی نیروی انسانی

تعمیل کرده

استنتاج نظری

۱- نسبت به پدیده فرار مغزها می‌توان دو دیدگاه داشت: دیدگاه تضادگرا و دیدگاه کارکردگرا.

دیدگاه تضادگرا که عمدتاً توسط جناح ملی ما مورد تاکید قرار می‌گیرند به این استدلال متکی هستند که در میان نظام‌های نابرابر بین‌المللی، انحصالی ستیزه‌آمیز برقرار است و لذا نخبگان فکری و فنی به عنوان بخشی از سرمایه ملی توسط نظام جهان‌خور سرمایه داری سرقت می‌شوند و بنابراین بایستی شرایط عدم جذب آنها را به سوی نظام مزبور فراهم آورد.

از سوی دیگر، دیدگاه کارکردگرا، نهایتاً به جهان همچون دهکده‌ای اطلاعاتی می‌نگرند و به اتصال نظام‌های برابر بین‌المللی قایل هستند و می‌گویند حضور کارکردی عناصر فرهیخته در هرکجای جهان نمی‌تواند نافی امکان اشاعه دستاوردهای فکری آنان باشد و در واقع، بهتر

است آنان در کارگاه‌های مجهزتر جهانی به نوآوری بپردازند، زیرا بسط نوآوری‌ها در درازنای تاریخ و جغرافیا امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

۲- رواج نگرش ستیزه‌گرا نسبت به پدیده فرار مغزها در سطح ملی و زمان حاضر جای تامل است. این نگرش اولاً پدیده مزبور را به یک مساله و معضل اجتماعی میدل می‌کند و ثانیاً راه حل آن را در قالب استراتژی‌ی جاذبه و دافعه به افزایش جاذبه ملی و کاهش جاذبه کشور مقصد مهاجرت ارجاع می‌دهد. این در حالی است که این دیدگاه متوجه دو نکته نیست: اولاً این دیدگاه در نمی‌یابد که پدیده فرار مغزها فقط مختص فرهیختگان نیست و بلکه کلیه اقشار اجتماعی را در برمی‌گیرد و ثانیاً دیدگاه مزبور توجه ندارد که علی‌رغم وجود استمرار این مساله در تمام دو دهه انقلاب، تنها در این اواخر بایستی نظرها به سوی پدیده فرار مغزها و در راه حل یابی برای آن جلب گردد.

۳- وجود واقعیت انکارناپذیر فرار مغزها بخصوص در میان نخبگان علمی و فنی کشور، نشان از کم

سازگاری بخش‌های اجتماعی و خصوصاً نهادهای علمی و صنعتی و فرهنگی دارد. این کم سازگاری بدان سو میل کرده که اولاً صنعت بازخورد علم را بپذیرد و ثانیاً فرهنگ نتواند از شأن علم و هویت ملی آحاد جامعه به ویژه نخبگان آن، تعریف درستی ارایه کند. به این ترتیب عقده‌ای عمیق، روح نخبگان جامعه را می‌آزارد، یعنی این مساله در ذهن آنها حل نمی‌شود که بالاخره باقی ماندن در این جامعه مترادف انجام تکالیف ملی است یا رفتن به کارگاه‌های مجهز دنیا، متناظر با کسب پایگاه‌های متعالی‌تر که در زندگی است.

به همین جهت نیز با حل این مشکل دو هویت متفاوت نزد فرهیختگان ملی تکوین می‌یابد: یکی جذب شدن در ارزش‌های فرهنگ جهانی به نفع فراموشی ارزش‌های ملی و دیگری آموختن ایفای نقش در هر وضعیت، متناسب با آن و از همین جا پیداست که این هر دو در صورتی که یک شیوه برخورد فرهنگی با فرار مغزها تهیه نشود، مسایل و معضلات جدیدی را برای فرهنگ

ملی تحمیل خواهد کرد.

جدول زیر مهم ترین عوامل موثر در پدیده

فرار مغزها از کشورمان را نشان می دهد.

آمارها حاکی از این است که فقط حدود ۳۰

درصد از دانشجویان بورسیه خارج از کشور پس از

اتمام تحصیلات به وطن بازگشته اند.

در بررسی فرار مغزها عوامل زیر اهمیت دارند:

۱- عوامل اجتماعی و فرهنگی

۲- عوامل اقتصادی (خدمات عمومی از جمله

بهداشت، آب و توانایی های فرهنگی و آموزشی)

۳- عوامل حرفه ای (امکان تغییر شغل و حرفه و

مزایای خوب، ارتباطات قوی)

- امکانات آموزشی و تحقیقاتی دانشگاه ها چندان

جذاب نیست. بنابراین استادان و دانشجویان

ترجیح می دهند از کشور خارج شوند.

- مشکلات معیشتی در داخل و امکانات نسبتاً

مساعدی که در خارج وجود دارد یا تصور می شود

که وجود دارد.

- موضوع امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هم

مطرح است و نگرانی هایی در رابطه با امنیت

شغلی به وجود می آید و این حداقل توقع مشروع

یک متخصص است.

- برخی در رشته هایی درس خوانده اند که سطح

تخصصی کشور، آمادگی پذیرش آنان را ندارد.

- ارزش کار کارشناسی در کشور کم است و

کارشناسان نیاز دستگاهها تلقی نمی شوند و نزد

دستگاهها برایشان اعتبار و احترامی وجود ندارد.

- کارشناسان باید از آزادی فکری برخوردار باشند

و بتوانند در محیط های علمی بدون فشار سیاسی

اظهار نظر کنند.

- هرچند که انسداد سیاسی، عامل چندم برای

مهاجرت نخبگان است اما به هر حال، آینده

کشور، محیط اجتماعی، حاکمیت و نظام سیاسی

در فرار مغزها موثر است.^{۱۵}

براساس تحقیقات مرکز تحقیقات فنی و

حرفه ای داکا (سازمان کنفرانس اسلامی) علل

تمایل افراد به کارکردن در خارج از کشور عبارتند از:^{۱۶}

۱- از نقطه نظر حرفه ای:

- فرصتی برای بهره برداری از دانش حرفه ای در

یک سطح مطلوب

- تسهیلات مادی برای کار حرفه ای مانند

آزمایشگاه و ابزار و تجهیزات

- تاثیر پذیرفتن از یک جامعه حرفه ای

- پیش بینی پایه حرفه ای مورد نظر

- فرصت آشنایی با پیشرفت های فنی

- در دسترس بودن منابع مورد نیاز

۲- اقتصادی

حقوق، شغل دوم، ثروت، قوانین مالیاتی و مناسب

برای درآمد

۳- شرایط زندگی

- هزینه زندگی و سطح مطلوب

- مسئولیت در برابر خانواده و هزینه های مربوط

۴- شرایط کار

استقلال در کار - تسهیلات

۵- شرایط اجتماعی

مقبولیت و همبستگی، بیگانگی و تبعیض

۶- شرایط سیاسی

- شهروندی و قوانین مهاجرتی

- سیاست های اقتصادی

- تعهد نسبت به سرزمین خود

از جمله عوامل مهم که باعث خروج نابغه ها و

توانمندان از چرخه کار می شود برخی مدیران

میانی هستند.

مهم ترین عوامل موثر در پدیده فرار مغزها از کشورمان

ردیف	عوامل	شاخص های تحلیلی
۱	اقتصادی	- رسیدن به استانداردهای بالای زندگی، امکانات مالی، درآمد و تامین شغلی - بهبود شرایط اشتغال و دسترسی به ابزار و ادوات پیشرفته - بهبود فرصت زندگی و اقتصاد برای آینده کودکان
۲	سیاسی	- سرخوردگی سیاسی، عدم ثبات سیاسی، تغییرات سریع سیاسی و کاهش مشارکت متخصصان در تصمیم گیری های سیاسی در سطح ملی - روند شتابان جهانی شدن، مقررات زدایی از مناسبات جهانی، تسریع ارتباطات اطلاعاتی، تکثرگرایی در سطح بین المللی
۳	اجتماعی	- نابرابری طبقاتی - فضای نامناسب اجتماعی - فقدان آزادی اندیشه و قلم
۴	فرهنگی	- عدم توجه به شأن علم و عالم - سطح پایین علمی دستگاهها و واسطه فقدان اساتید و طرح های مطالعاتی - مشکلات گزینش دانشجویان، کمبود امکان ادامه تحصیل - کنجکاری

فقدان نظام شایسته سالاری در نصب مدیران و در نتیجه عدم آگاهی آنان از ارزش سرمایه‌های انسانی موجب دلسردی و حذف نخبگان می‌شود. فقدان برنامه ریزی نیروی انسانی و سیاست روزمرگی عامل دیگری در از دست دادن نیروهای دانشگر است.

■ تجربه کشورهای موفق در برخورد با پدیده فرار مغزها

همچنان‌که در مقدمه اشاره شد در برخورد با این پدیده با رویکردهای متفاوت روبرو هستیم. بسیاری از کشورها با این پدیده به مثابه انتقال سرمایه‌های انسانی به کشورشان برخورد می‌کنند و با انواع روش‌ها مغزها را به سوی کشورشان می‌کشانند. اینترنرت در این زمینه یاور این کشورها بوده و نخبگان با ارتباط سهل و سریع مهاجرت می‌کنند.

بسیاری از کشورها همچون استرالیا با توسعه دفاتر نمایندگی خارجی خود در اقصی نقاط جهان، به شکار افراد تحصیل کرده می‌پردازند.

در مقابل، کشورهایی که از رهگذر مهاجرت متخصصان و دانش آموختگان خود به کشورهای توسعه یافته، دچار ضرر و زیان‌های جبران‌ناپذیر می‌شوند و در مسیر توسعه ناکام می‌مانند.

گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۱ خاطر نشان می‌سازد که این جمعیت مهاجر می‌تواند منبع ارزشمندی برای کشور مبدأ باشد. نانسی برد سال، مشاور و نیز مدیر برنامه توسعه ملل متحد می‌گوید: در یک بازار جهانی، طبیعی است که افراد بهره‌مند از مهارت‌های مطلوب به نقاط برخوردار از فناوری پیشرفته و دستمزدهای بالا،

وجود واقعیت انکارناپذیر فرار مغزها بخصوص در میان نخبگان علمی و فنی کشور، نشان از کم‌سازگاری بخش‌های اجتماعی و خصوصاً نهادهای علمی و صنعتی و فرهنگی دارد

آمارها حاکی از این است که فقط حدود ۳۰ درصد از دانشجویان بورسیه خارج از کشور پس از اتمام تحصیلات به وطن بازگشته‌اند

از جمله عوامل مهم که باعث خروج نابغه‌ها و توانمندان از چرخه کار می‌شود برخی مدیران میانی هستند

هرجا که می‌خواهد باشد، مهاجرت خواهند کرد. اما شواهدی در دست است که چنانچه کشورهای مبدأ، شرایط مناسب از جمله فضای باز برای سرمایه‌گذاری و طرح‌اندیشه‌های نو - ایجاد کنند، می‌توانند به بازگشت بخشی از نیروی متخصص جلالی وطن کرده امیدوار باشند.

گزارش پیشنهاد می‌کند که کشورهای در حال توسعه برای جبران هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری‌های آموزشی خود از الگوی ایالت متحده آمریکا پیروی کنند، که نه براساس اقامت، بلکه بر مبنای ملیت مالیات می‌ستانند. (این امر مستلزم عقد پیمان‌های دو طرفه خواهد بود) دلیل دیگر آن است که هر دانشجویی مکلف باشد

(وامی معادل یارانه‌هایی که از سوی دولت تامین می‌شود) دریافت کند و تنها در صورت ترک کشور ملزم به پرداخت آن باشد.

جمهوری کره بیش از آنکه از مهاجران کره بخواهد در کشور خود سرمایه‌گذاری کند، تشویق آنان به بازگشت به میهن را وجه همت قرار می‌دهد. برنامه‌های فشرده‌ای که از سوی این کشور برای بازگرداندن مهاجران به اجرا در آمده است مراجعت متخصصان مسن‌تر را پی می‌گیرد و بدین منظور حقوق‌های قابل رقابت با درآمدهای آنها در خارج از کشور، شرایط کاری مناسب‌تر، کمک به تهیه مسکن و تامین امکانات تحصیلی مطلوب برای فرزندان را به این گروه از متخصصان پیشنهاد می‌کند.

برنامه مبادله استاد به جمهوری کره امکان می‌دهد تا از توان کارشناسی و تخصصی کسانی که برای بازگشت دائمی به موطن خود دچار تردیدند، بهره‌جوید. این قبیل ابتکارها که بهبود اقتصادی نیز موجب تقویت بیشتر آنها می‌شود، تاکنون نتایج خوبی به بار آورده‌اند. در حالی که طی دهه ۱۹۶۰ فقط ۱۶ درصد از دانشمندان و مهندسان کره‌ای دارنده درجه دکتری از دانشگاه‌های ایالت متحده آمریکا به کشور خود مراجعت نموده‌اند، در طول دهه ۱۹۸۰ این نسبت به حدود دو سوم افزایش پیدا کرده است.^{۱۷}

عامل مثبت در مهاجرت آن است که افراد با توانایی کم به مکان دیگر مهاجرت کنند و با کسب اشتغال و به دست آوردن فناوری، دوباره به کشور مادر و مبدأ بازگردند.

ژاپنی‌ها از گذشته و چینی‌ها امروزه از این مدل پیروی می‌کنند.^{۱۸} چین، مالزی و سنگاپور به شدت درصدد جذب نیروی متخصص فناوری

اطلاعات (IT) هستند.

ابهام و احساس عدم تأمین در آینده شغلی، علمی، اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی و سیاسی در جلوگیری از مهاجرت نخبگان یا معقول کردن روند آن تأثیرات به سزایی خواهد داشت. اگرچه هیچگاه نمی‌توان به خصوص در عصر گسترش ارتباطات و طرح مقوله‌هایی نظیر جهانی شدن، از جابجایی و حتی مهاجرت نخبگان به طور کامل ممانعت آورد ولی اتخاذ روش‌های کارآمدی نظیر ارتقاء منزلت اجتماعی متفکران، دانشگاهیان و دانشجویان، ایجاد و تقویت زیر ساخت‌های علمی نظیر شبکه‌های اطلاع‌رسانی علمی و تمهیدات اقتصادی - علمی نظیر تجربه هند در زمینه نرم افزارها، تسهیل رفت و آمدهای علمی و... از جمله شیوه‌های موثر در کنترل ابعاد فاجعه‌آمیز آن بوده است.

■ شرایط موجود کشور در بر فرود با مهاجرت متخصصین

فهرست برخی از عناوین نقاط ضعف موجود در کشور که موجبات تهدید و بحران عمومی را در پدیده فرار مغزها فراهم می‌آورد عبارتند از:

- ۱ - عدم توجه واقعی به مقام دانشمندان - علیرغم دستورات دینی در عمل هیچ‌گونه بهره برداری از دانش و تجربه متخصصین نمی‌شود نه در تصمیم‌سازی و در نه در تصمیم‌گیری!
- تجلیل از دانشمندان همچون سایر ویژگی‌های کشورهای شرقی و توسعه نیافته، فقط لفظی و ظاهری است!

۲ - عدم برخورد صحیح، منطقی و جذب کننده با مهاجرین ایرانی، چه در داخل توسط رسانه‌ها و از زبان مسئولین و چه در خارج از کشور

توسط نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی.

متأسفانه به دلیل فقدان آگاهی‌های لازم درخصوص ارزش سرمایه‌های انسانی و نخبگان جامعه، دانشمندان مهاجر به عنوان ضدانقلاب، ناراضی، سازشکار، و... حداقل عناصر بی‌تفاوت مطرح می‌باشند و زمینه و بستر داخل کشور براساس این جهل، با دیده شک به ایشان می‌نگرند.

از طرفی، علی‌رغم حضور نمایندگی‌های عریض و طویل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به دلیل عدم اطلاع و فرار از مسئولیت، ارتباط منطقی، پیوسته و موثر با دانشمندان مهاجر برقرار نشده است. اخیراً پس از انتخاب دوم خرداد ۱۳۷۶ و توسعه فضای باز سیاسی، این ارتباطات آغاز شده و آثار مبارک آن کم‌کم هویدا می‌گردد.

لله اکرچه هیچگاه نمی‌توان به خصوص در عصر گسترش ارتباطات و طرح مقوله‌هایی نظیر جهانی شدن، از جابجایی و حتی مهاجرت نخبگان به طور کامل ممانعت آورد ولی اتخاذ روش‌های کارآمدی نظیر ارتقاء منزلت اجتماعی متفکران، دانشگاهیان و دانشجویان، ایجاد و تقویت زیر ساخت‌های علمی نظیر شبکه‌های اطلاع‌رسانی علمی و تمهیدات اقتصادی - علمی نظیر تجربه هند در زمینه نرم افزارها، تسهیل رفت و آمدهای علمی و... از جمله شیوه‌های موثر در کنترل ابعاد فاجعه‌آمیز آن بوده است

۲ - به دلیل عدم رابطه با کشورهای صاحب فناوری پیشرفته به ویژه آمریکا (تحریم سیاسی آمریکا و...) سطح علمی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور جوابگوی نیاز دانشمندان نمی‌باشد و این خلاء عامل مهمی در مهاجرت متخصصین است.

وجود بوروکراسی و محدودیت‌های ارزی و بعضاً تبعیض‌ها نیز عاملی جدی در سفرهای تحقیقاتی و آموزشی دانشمندان برای ارتقاء سطح علمی آنان به شمار می‌رود. کمبود تجهیزات و وسایل تحقیقاتی نیز مزید بر علل گذشته عامل محدودیت فعالیت محققان می‌باشد.

۴ - احساس و ادراک نابرابری و بی‌عدالتی حقوق و درآمد متخصصان و دانشمندان با حقوق درآمدهای باد آورده و نامشروع رانت‌خواران و سرمایه داران فراری از مالیات و... در داخل کشور و شرایط اجتماعی و رفاه دانشمندان در کشورهای مهاجرپذیر عاملی مهم در مهاجرت ایشان می‌باشد.

۵ - نخبگان و دانشمندان به بستری آرام و اندیشه‌ای آزاد نیاز دارند. شرایط سیاسی کشور به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و عدم ثبات سیاسی ناامن، حوادث اخیر کوی دانشگاه و... همه و همه خود عاملی منفی در دل‌بستگی نخبگان به کشور می‌باشد. م‌الاً این شرایط، آینده‌ای نامطمئن و حتی منفی برای نیروهای تحصیل کرده ترسیم می‌کند. فضای باز سیاسی و آزادی بیان و قلم و نشریات عامل ثبات و دموکراتیک در بستر فعالیت نخبگان است.

۶ - فقدان مدیریت‌های علمی و منطقی در مراکز علمی و تحقیقاتی بعضاً موجب رنجش و

تنش نخبگان می‌شود. تسلط مدیریت‌های سیاسی و بانندی بر این مراکز و عدم تحمل اندیشه نخبگان و مشارکت ایشان در تصمیم‌گیری‌های موجبات فرار مغزها است.

۷- آینده فرزندان و خانواده متخصصان از دغدغه‌های اصلی ایشان است. وضعیت آموزشی و پژوهشی کشور، مسایل سیاسی و آرامش داخل کشور، بهداشت، تغذیه، رفاه و از همه مهمتر اشتغال فرزندان آنها در ایهام می‌باشد.

۸- محدودیت ارتباطات و گردش اطلاعات از دیگر عامل مهاجرت نخبگان می‌باشد.

بسته شدن کافی نت‌ها در تهران، علیرغم نکات مثبت و منفی آن آثار نامطلوبی بر استفاده‌کنندگان واقعی شبکه اینترنت به جای گذاشت.

۹- فقدان استقبال از تحقیقات و عدم توجه به نتایج آنها در رشته‌های مختلف علمی امری کاملاً آشکار می‌باشد. سهم بسیار ناچیز تحقیقات در تولید ناخالص داخلی گویای این واقعیت است. بسیاری از دستگاه‌های اجرایی اصلاً اعتقادی و جایگاهی (حتی ظاهری در ساختار تشکیلات) به تحقیقات ندارند.

۱۰- جدایی صنعت و سرمایه‌گذاران از دانشگاه و محققین، متخصصان و نخبگان تمایل دارند دستاوردهای علمی آنها در راستای نیاز بازار صنعت و خدمات و کشاورزی باشد، ولیکن در کشور صنعت راه خود را می‌رود و دانشگاه نیز راه خود!

تحقیقات و فناوری نیاز به حمایت سرمایه‌گذاران دارد ولیکن چنین فضایی در کشور موجود نیست.

۱۱- مقررات دست و پاگیر و بوروکراسی سنتی حاکم بر دستگاه‌های علمی و پژوهشی

کشور، هرگونه انعطاف‌پذیری را مانع می‌شود و از سرعت فعالیت‌ها به شدت می‌کاهد.

۱۲- فقدان نظام آماری و اطلاعاتی یکپارچه در کشور نیز از جمله محدودیت‌های تحقیق و پژوهشی می‌باشد.

۱۳- عدم درک منطقی پدیده جهانی شدن از سوی مسئولین سیاسی و اداری کشور، موجب ضعف توجه به واقعیت چرخش مغزها (Brain Circulation) شده است. اساتید ایرانی مقیم در خارج از کشور به راحتی قادر به ورود و خروج به کشور نیستند. (به دلایل مختلف از جمله عدم انجام خدمت سربازی و مخالفت با فروش خدمت ...)

۱۴- عدم وجود عزم ملی و تفاهم در برخورد با پدیده فرار مغزها در کشور و پراکنده بودن تلاش‌ها و در نتیجه ناکامی!

پیشنهادهای عملی

الف - شناخت صحیح مساله

۱- انجام پژوهش‌های میدانی در داخل و خارج از کشور از علل مهاجرت نخبگان و موانع بازگشت آنها.

۲- بررسی تجارب کشورهای موفق در برخورد با پدیده فرار مغزها

۳- انعکاس نتایج تحقیقات و تجارب به مسئولین و تصمیم‌گیران و عموم مردم در جهت اصلاح نگرش به پدیده فرار مغزها.

ب - جمع‌آوری اطلاعات

۱- تشکیل مجموعه‌های آماری از محققان و متخصصان خارج از کشور و بررسی علل و دسته‌بندی آنها.

۲- فعال نمودن نمایندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خارج از کشور برای ایجاد ارتباط با نخبگان خارج از کشور و بررسی شرایط مساعد بازگشت ایشان.

۳- معرفی نخبگان مقیم خارج از کشور به مراکز علمی و پژوهشی داخل کشور جهت توسعه ارتباطات.

ج - تشکیلات تخصصی و منفی (خودجوش و غیردولتی)

۱- تشکیل انجمن‌های علمی - تخصصی در داخل کشور - و عضویت نخبگان مقیم خارج از کشور در آنها و دعوت از ایشان برای سخنرانی و انتقال تجارب.

۲- تشکیل انجمن‌های علمی و منطقه‌ای در خارج از کشور برای تمرکز و تجمع نخبگان در بخش‌های مختلف جهان و ارتباطات آنها با نمایندگی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

۳- توسعه ارتباط تشکیلات تخصصی و صنفی نخبگان با انجمن‌های صنعتی و کاربردی به منظور حمایت سرمایه‌گذاران از دانشمندان.

د - تصویب مقررات تسهیل‌کننده بازگشت نخبگان از جمله شرایط رفاهی و ورود و خروج رفاهی و مسکن، اشتغال، ادامه تحقیقات و...

ه - ایجاد مراکز تحقیقات مجهز با مدیریت حرفه‌ای و مناسب برای جلب نخبگان از جمله شهرک‌های تحقیقاتی و...

و - بسیج دستگاه‌های ارتباط جمعی کشور در جذب نخبگان و پرمیز از نگرش منفی و ایجاد

جو احترام به دانشمندان در قول و عمل.

ز - حمایت نمایندگی‌های خارج از کشور از نخبگان مقیم در ابعاد سیاسی، فرهنگی و... از جمله بخشودگی خدمت سربازی، خروج غیرقانونی و...

همه موارد مذکور جنبه درمانی داشته‌اند ولیکن علاج واقعه را باید با پیشگیری اقدام نمود. با توجه به استمرار موج مهاجرت اگر مسایل داخل کشور حل نشود، قطعاً هیچیک از راه حل‌های درمان موثر نخواهد بود. لذا راه حل‌های کوتاه مدت و بلند مدت در زمینه جلوگیری منطقی از خروج سرمایه‌های انسانی بسیار مهم تر می‌باشند:

۱- تشکیل ستاد ویژه بررسی «فرار نخبگان» با حضور تنی چند از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرای کار و امور اجتماعی، آموزش عالی، بهداشت و درمان، اطلاعات و امور خارجه و نیز نمایندگان اساتید و محققان داخل و خارج از کشور.

۲- شناسایی نیروی انسانی نخبه در دانشگاه‌ها (اساتید، دانشجویان و محققین)، مراکز تحقیقاتی و اجرایی، مدارس و المپیادهای علمی و...

۳- ارزیابی انگیزه‌های گروه‌های مختلف نخبگان به دقت و با تحقیقات علمی برای مهاجرت به خارج از کشور.

۴- توسعه ارتباط صنعت با دانشگاه و افزایش بودجه تحقیقاتی کشور.

۵- توسعه مراودات علمی با جهان به ویژه شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی.

۶- ایجاد بستر و فضای شایسته سالاری در مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی.

۷- رسیدگی معیشتی و رفاهی به نخبگان از جمله مسکن، اشتغال، آینده فرزندان و...

۸- تجهیز مراکز تحقیقاتی و پژوهشی کشور برای محققان و نخبگان

۹- توسعه تشکیلات صنفی و تخصصی نخبگان و حمایت دولت از آنها.

۱۰- تسهیل ورود و خروج نخبگان به خارج.

۱۱- ایجاد موانع منطقی در مهاجرت نخبگان از جمله تجارب کشورهای دیگر (استرداد وام تحصیلی برای مهاجرین و...)

۱۲- ایجاد علاقه‌های دینی، خانوادگی و میهنی میان نخبگان به منظور بازگشت به کشور.

۱۳- ایجاد فضای دموکراسی و آزاد در اندیشه و قلم به ویژه در میان تحصیل کردگان.

۱۴- میدان دادن به خلاقیت‌ها و حمایت از نوآوری نخبگان.

توجه در برخورد با پدیده فرار مغزها باید از منطق، علم و توجه به واقعیت‌های موجود استفاده کرد. شاید نتوان در جهان امروز از این پدیده ممانعت کرد ولیکن می‌توان روند آن را منطقی نمود

توجه پدیده فرار مغزها و نخبگان در مجموعه‌ای علل و عوامل قرار داد و باید با نگرشی سیستمی و جامع با آن روبرو شد. لذا سطحی نگری و یک بُعدی دیدن مسایل راه به جایی نمی‌برد

نتیجه گیری:

در برخورد با پدیده فرار مغزها باید از منطق، علم و توجه به واقعیت‌های موجود استفاده کرد. شاید نتوان در جهان امروز از این پدیده ممانعت کرد ولیکن می‌توان روند آن را منطقی نمود. باید از پدیده فرار مغزها که در کشور ما کم به بحران و تهدید تبدیل می‌شود، با نگرش مثبت به عنوان فرصت استفاده نمود و با بهره‌گیری از تجارب کشورهای موفق و بومی نمودن راه‌حل‌های آنها به درمان و پیشگیری، از آن پرداخت.

پدیده فرار مغزها و نخبگان در مجموعه‌ای علل و عوامل قرار داد و باید با نگرشی سیستمی و جامع با آن روبرو شد، لذا سطحی نگری و یک بُعدی دیدن مسایل راه به جایی نمی‌برد.

در ارایه راه حل حتماً باید از مشارکت نخبگان در تئوری و عمل بهره جست.

ایجاد فضای باز سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و نیز شایسته سالاری تاثیر مثبتی بر بازگشت نخبگان دارد.

باید مرز معینی فی مابین علل مهاجرت - قبل از انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - ترسیم نمود.

مرحوم شریعتی می‌گوید: صحبت از جامعه‌ای است که نیمی از آن خوابیده‌اند و افسون شده‌اند و نیمی دیگر بیدار شده و در حال فرارند. می‌خواهیم این خوابیده‌های افسون شده را واداریم که بایستند و هم آن فراری‌ها را برگردانیم و واداریم که بمانند و این کار ساده‌ای نیست!